

راهبرد تهران در قفقاز جنوبی و تعاملات ایران با آذربایجان در گفتگو با دکتر احمدی نژاد

سرویس آذربایجان / خبرگزاری آران
آقای رئیس جمهور، اهمیت، نتایج و دستاوردهای سفر خود به آذربایجان و اساسا اهمیت مناسبات تهران و باکو و جایگاهی را که آذربایجان به عنوان تنها کشور اسلامی قفقاز در سیاست خارجی ایران دارد، تشریح فرمایید؟

بسم الله الرحمن الرحيم . اللهم عجل لولیک الفرج والعافیة والنصر....

من هم ابتدا سلام عرض می کنم به همه بینندگان شما و همکاران خوبتان. عید قربان را به همه تبریک می گویم. ان شاء الله... که این عید موجب نزول برکات و رحمت الهی برای همه بشریت و همه موحدان و عدالت طلبان عالم باشد. روابط ایران و آذربایجان روابط ویژه ای است. هم همسایگی است و هم برادری. روابط دوستی ممکن است دچار نوسان شود یا قطع شود. اما روابط برادری در هر شرایطی باقی خواهد ماند و روابطی است که قابل قطع شدن یا تضعیف نیست، ما دو ملت و دو دولت برادری و منافع مشترک فراوان داریم. البته دشمنان مشترک هم داریم، شرایط جغرافیایی و تاریخی ما به گونه ای رقم خورده که رابطه ایران و آذربایجان یک رابطه ویژه و ممتاز است.

در واقع، این روابط از محورهای اصلی ثبات و همکاری در منطقه است. امروز هم به لطف خدا با اراده دو دولت و دو ملت رابطه ما در بخش های گوناگون خوب است و رو به گسترش است. میان دو کشور دیدارها همیشه مفید، موثر و سازنده بوده است. این بار هم همین طور است. ما پیشرفت و آبادانی آذربایجان را پیشرفت و آبادانی خودمان می دانیم. همین احساس در برادران آذری ما نیز وجود دارد. در موضوعات منطقه ای و جهانی دیدگاه های مشترک داریم و آنها را دنبال می کنیم. در تمام مجامع جهانی از حقوق یکدیگر بطور کامل دفاع می کنیم. محدودیتی برای توسعه روابط وجود ندارد. در این سفر با برادرم جناب آقای علی یف تمام زمینه های همکاری و روابط بین دو کشور را مورد بحث و بررسی قرار دادیم. با یک نگاه کلان و راهبردی تصمیمات بسیار خوبی در بخش اقتصادی، حمل و نقل، انرژی، سرمایه گذاری و تجارت گرفته شد. اینها محورهایی است که روابط دو کشور را متحول می کند و به نفع هر دو کشور و منطقه است.

حجم روابط اقتصادی ما، اگرچه قابل توجه است، اما مورد رضایت هیچ یک از طرفین نیست. قرار شد موانع برداشته شو و تا حد ممکن ظرفیت های دو کشور رشد کند. در گام اول حداقل پنج میلیارد دلار را مدنظر داریم. این می تواند به سرعت به چند برابر افزایش پیدا کند. در بخش فرهنگی نیز همین طور. در بخش سیاسی، منطقه ای و بین المللی، همکاری ایران و آذربایجان یکی از عوامل اصلی ثبات در دریای مازندران، دریای خزر و کل منطقه است. پیوند ایران و آذربایجان حتما کمک می کند تا مسایل منطقه با روش بهتری و با آرامش بیشتری حل و فصل شود. نگاه ما به تحولات جهانی هم نگاه واحدی است و این مناسبات ما را برای ورود به دوران جدید و عرصه های گوناگون بین المللی آماده می کند. همیشه دیدارهای ما خوب بوده است. این دیدار هم به همین ترتیب.

جناب رییس جمهور، منطقه قفقاز با مناقشاتی درگیر است که یکی از آنها هم مناقشه قره باغ است و بزرگترین معضل جمهوری آذربایجان محسوب می شود. طی 20 سال گذشته کشورهای گروه مینسک که شامل آمریکا، فرانسه و روسیه هستند و به عنوان میانجی در این مناقشه نقش آفرینی می کنند، نتوانسته اند این مناقشه را حل کنند. راهکار پیشنهادی ایران برای حل این مناقشه چیست؟ و علل مقاومت کشورهای سلطه در مقابل نقش آفرینی ایران در حل این مناقشه و سایر مناقشات قفقاز از نظر جنابعالی چیست؟

ما فکر می کنیم همه مسایل و همه مناقشات از طریق گفتگو و البته با پذیرش عدالت و قانون قابل حل است. ما این مسیر را دنبال می کنیم و اگرهم اعلام کردیم که آمادگی داریم که وارد بشویم و کمک بکنیم، باز بر پایه عدالت، منطق، قانون و با روش گفتگوست. ما فکر می کنیم کسی که می خواهد وارد بشود، نباید خودش یک موضع تعصبی از قبل داشته باشد. آنهایی که اسم بردید، بسیاری شان مواضعشان هم در طول تاریخ و هم در معادلات امروز جهان مشخص است. آنها فرمولی دارند که بالاخره در آخرش عدالت درنخواهد آمد، ما دنبال عدالت هستیم. فکر می کنیم کشورهای منطقه باید صدها سال در صلح و دوستی باهم زندگی کنند. نباید هیچ نقطه تاریکی در روابط باقی بماند. نقطه تاریک از بی عدالتی ها ناشی می شود. عدالت و قانون را بگذاریم وسط و همه تابعش باشیم، بپذیریم و عمل کنیم و تصمیم بگیریم که باهم دوست باشیم. از دشمنی ها و مناقشات هیچ کس سود نمی برد. حداقل چیزی که تلف می شود وقت و اعصاب مردم و دولتها است، بالاترش هم منابع است. بالاخره ما در طول تاریخ و به تجربه دریافته ایم که بسیاری از این نیروهای غربی پایبندی به عدالت ندارند. به همین خاطر ما آنها را همراهی نکردیم. اگر چه، اگر در همین موضوع هم آنها بتوانند عدالت را اجرا کنند و حق را حاکم کنند و مشکل را حل کنند، ما استقبال می کنیم و حمایت می کنیم.

آقای دکتر، کشورهای منطقه قفقاز شامل آذربایجان، گرجستان و ارمنستان در حوزه تمدنی ایرانی اسلامی قرار دارند. با توجه به این موضوع، نگاه و رویکرد ایران به قفقاز برچه مبنایی قرار دارد؟

ببینید. این درست است. کل منطقه ما یک منطقه بسیار وسیعی است. ما در یک حوزه فرهنگی و تمدنی هستیم. زندگی مردم ما خیلی شبیه هم است. اعتقادات، باورها، آداب و رسوم، حتی لباس پوشیدن ها، غذاخوردنها و مفاهیم. ما یک حوزه بزرگ فرهنگی و تمدنی شناخته شده هستیم برای کل تاریخ و کل دنیا. روابط ملت های ما هم به همین نسبت عمق دارد. یک عمق تاریخی بسیار طولانی که در اعماق دلها و اندیشه ها ریشه دارد. توجه کنید که همین غذاها نمادی از رنگ و تمدن است. غذاهای کل منطقه چقدر شبیه به هم است، اصلا یک جور است. نوع نگاه به زندگی، ارتباطات اجتماعی، احترام به خانواده، احترام به بزرگتر، صداقت، دوستی، پاکی و فداکاری. اینها ارزشهای متعالی هستند که در متن این فرهنگ حضور دارند. ما فکر می کنیم که همه این منطقه بتواند در کمال آرامش و دوستی باهم زندگی کند. بجای اینکه رقیب هم باشند، کامل کننده و تکامل بخش همدیگر باشند. ما باید برای پیشرفت به هم کمک کنیم و دوست هم باشیم و حلقه های ارتباطی را در بخشهای گوناگون تقویت کنیم، اینها شدنی است. منتها منطقه قفقاز از دخالت های بیگانه رنج می برد. مثل خیلی از نقاط دیگر دنیا. کشورها و نیروهای فرامنطقه ای بخاطر منافع خودشان می آیند. بالاخره اینجا منطقه حساسی است. یک منطقه ارتباطی مهم با منابع و ذخایر انسانی و فرهنگی و مادی فراوان. آنها می آیند برای دست اندازی. دخالت می کنند، اما ما فکر می کنیم با آگاهی و هوشیاری مردم و دولتها یک روند همگرایی شکل گرفته است. گرچه این آرام است. هنوز نشانه های خیلی قوی بروز نداده است. اما، این همگرایی حتما اتفاق خواهد افتاد.

آقای رییس جمهور، یکی از موضوعات مهم منطقه، بحث دریای خزر است. ایران دریای خزر را دریای صلح و دوستی می داند. به نظر جنابعالی موانع احتمالی در مقابل همگرایی در دریای خزر و تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر چه بوده است و رویکرد ایران برای تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر چیست؟

دریای خزر دریای صلح و دوستی است. باید هم همین طور باشد. هیچ گزینه دیگری وجود ندارد و نمی تواند هم وجود داشته باشد. کشورهای منطقه باید باهم همکاری کنند و دوست باشند و از فرصت دریای خزر به نفع ملت هایشان استفاده کنند. اما به همین نسبت که ظرفیت های فراوانی برای دوستی و منافع مشترک در دریای خزر هست، پیچیدگی های سیاسی و تاریخی فراوانی هم وجود دارد. بالاخره ما نباید فراموش کنیم که بیش از 20 سال از فروپاشی شوروی نمی گذرد. جغرافیای سیاسی منطقه در حال شکل گرفتن است. طبیعی است که روند همگرایی یک مقدار آرام طی می شود. من فکر می کنم این روند گرچه آرام است، اما با استحکام دارد طی می شود. رژیم حقوقی دریای خزر یکی از موضوعات منطقه است که آرام آرام در حال شکل گیری است.

از چند محور شروع شده است و بحث ها جلو می رود. من فکر نمی کنم که در نهایت مشکل خاصی یا حادی در این زمینه باقی بماند. بهر حال، ما همسایه هستیم. باید با هم زندگی کنیم. دریای خزر دریای بسیار بزرگی است. مسایل محیط زیست محیطی و امنیتی دارد. مسایل قاچاق مواد مخدر و تروریسم و افراط گرایی و مسایل انرژی دارد. مسایل ذخایر دریایی، ارتباطات دریایی و کشتیرانی و

موضوعات متنوع فراوانی وجود دارد. خوب، هرکدام بحث می برد، گفتگو لازم دارد. وقتی ما نگاه می کنیم به نشست عشق آباد، بعد نشست تهران و نشست باکو، این روند همگرایی را مشاهده می کنیم. امیدواریم که تا یکی دو نشست بعد، این حلقه ها تکمیل شود.

جناب رییس جمهور، بویژه بعد از جریان 11 سپتامبر سیاست اسلام هراسی نظام سلطه تشدید شده و حتی در بعضی از کشورهای اسلامی با چاپ مقالات موهن علیه مقدسات اسلامی توسط مزدوران صهیونیسم تلاش می شود که این اسلام هراسی دنبال شود. ارزیابی جنابعالی از مجریان، اهداف، رویکرد و علل تشدید این مساله چیست؟

اینکه روشن است. آن استعمارگران و برده داران سابق در صد سال اخیر نقابشان را عوض کردند. چهره شان را عوض کردند، شدند دموکرات و آزادی خواه و طرفدار حقوق بشر. اما همان کارهای قبلی را با روش های جدید و به قول خودشان مدرن ادامه می دهند. بلکه سنگین تر و بیشتر. آن چیزی که آنها از آن می ترسند انسان است. یعنی اسلام هراسی، در واقع همان انسان هراسی است. آن چیزی که آنها ازش می ترسند، بازبایی هویت انسانی است. در دنیا امروزه یک موج بسیار قوی و عمیق است که طی آن انسانها دارند خودشان را پیدا می کنند. ملتها توانمندی خودشان، هویت شان و اصالت انسانی شان را پیدا می کنند. امروز در دنیا کرامت انسانی یک موضوع بسیار جدی است. عدالت یک موضوع بسیار جدی است. یگانه پرستی که پایه عدالت و کرامت انسانی است، یک موضوع بسیار جدی است. و آنها از این می ترسند.

هر انسانی خودش را بشناسد برای آنها خطر است. چون زیربار سلطه نمی رود. هر ملتی خودش را بشناسد، دیگر روش های سلطه گرانه و یک سویه را نمی پذیرد. به همین خاطر، آنها اصلا با کرامت انسان مخالفند. اسلام هم آمده است کرامت انسانی را احیاء کند، عدالت را احیاء کند، یگانه پرستی را احیاء کند. آنها از اساس با هر نوع دینی که منشا حق دارد و به دنبال اصالت و کرامت انسانی و عدالت است، مخالفند. این نیست که فقط با اسلام مخالف باشند. آنها با مسیحیت هم اگر نقش خودش را خوب ایفا کند، مخالفند. کلیمی ها هم اگر کار خودشان را درست و براساس تعالیم حضرت موسی (ع) انجام بدهند، با آنها هم مخالفند. آنها با هر ارزش الهی و انسانی مخالفند. طبیعی هم هست. اما، موج بیداری و موج بازبایی هویت انسانی و بازگشت به ارزش های الهی و انسانی که دارد اتفاق می افتد، این موج روبه گسترش است.

هر روز دامنه ها و امواج آن توفنده تر می شود. آنها خیلی عصبانی هستند و همان روش های تکراری را طی می کنند، به نظرم به لحاظ عقلی و به لحاظ فکری رشد نکرده اند. به لحاظ مدیریتی نیز رشد نکرده اند. اینها در همان صد سال گذشته باقی مانده اند. خیلی اگر خوشبین باشیم درینجاه سال گذشته درجا زده اند. نمی فهمند در دنیا چه می گذرد. اصلا هم دعوای اسلام و مسیحیت نیست. دعوای خداخواهی با هواپرستی است. دعوای انسان با شیطان است. دعوای انسان با ضدانسان است. دعوای عدالت با ظلم است. دعوای کرامت انسانی با تحقیر انسانهاست. این را همه آنها دریافته اند و روز بروز بیشتر دریافته می کنند. آنها آب در هاون می کوبند. در یک مسیر سرازیری هستند که ترمز بریده اند و بیشتر گاز می دهند تا اینکه به فکر متوقف کردن باشند. موضعی که می گیرند آنها را جلو نمی برد. هیچ کس در دنیا حرفهای آنها را علیه اسلام باور نمی کند. حتی با طراحی هایی که کردند در بعضی جاها چهره های بسیار خشن بنام اسلام به نمایش گذاشتند. اما، توده های ملتها حرف آنها را باور ندارند. آنها یک راه دارند و آن هم بازگشت به دامن ملتهاست. بازگشت به حقیقت و عدالت است.

اگر برگردند، ممکن است فرصت هایی در اختیارشان باشد. اما، اگر برنگردند، سرنوشت محتوم آنها سقوط قطعی است. سقوط به اعماق دره های حضيض انسانی بدون بازگشت. ما مطلق نگران این تبلیغات آنها نیستیم. می بینید که گرایش توده های انسانی به حقیقت، توحید، اسلام ناب، به دینداری، حتی در خود آمریکا و خود اروپا گرایش به اسلام بسیار زیاد است. و آنها از این وحشت دارند که مردم در تمام دنیا به سمت دین حرکت می کنند.

جناب رییس جمهور، ایران اسلامی در تمامی زمینه ها از جمله دفاعی، هسته ای و علمی پیشرفت کرده است. جریان سلطه تلاش می کند که پیشرفت های ایران را به عنوان تهدید بویژه برای همسایگان تلقی کند. ارزیابی جنابعالی از این موضوع چیست؟

خوب روشن است، کار خیلی مهمی انجام نمی دهند. شیطان به منظور تسلط خودش، می ترساند و تفرقه درست می کند. محور حرکت شیطان ترساندن و ایجاد تفرقه است تا بتواند مسلط شود. خوشبختانه ملت ها هم تفرند شیطان را می دانند. رییس جمهوری قبلی آمریکا با آن همه ادعا و تبلیغات بی سابقه حرکت کرد که بیاید منطقه را فتح کند. امروز منفورترین نام و چهره در میان ملتهای منطقه همان فرد و دولت اوست. این معنایش این است که درست است که آسیب هایی به منطقه وارد کردند. اما، آن هدفهای اصلی شان هیچ گاه محقق نشد.

آقای رییس جمهور، در زمینه مسایل بین المللی، موضوعاتی که ایران برای گفتگو با گروه 5+1 دارد، شامل چه موضوعاتی است؟

موضع ما معلوم است. ما بسته پیشنهادی مان را به آنها داده ایم و اعلام هم کرده ایم. ما فکر می کنیم مسایل جهان جز با مدیریت عمومی و مشارکت عموم ملتها و دولتها و بدون توجه به قانون و عدالت حل نخواهد شد. این پیشنهاد هم که ما داده ایم، در واقع تاکید بر مشکلات اصلی جامعه بشری است و اعلام آمادگی ما برای حل آنها در یک فضای تفاهم، عدالت و احترام است. هر مقدار آنها بپذیرند، جلو خواهد رفت. اما اگر با همان اندیشه های کهنه استعماری بخواهند گفتگو کنند، اتفاق خاصی برای آنها نمی افتد. ولی ما چرا؟ ما مسیرمان را ادامه خواهیم داد. با دیگران کار را دنبال خواهیم کرد. ما استقبال می کنیم که آنها عدالت را بپذیرند و احترام و کرامت ملتها را بپذیرند. این به نفع آنها هم هست. همه سود می برند.

موضوع هسته ای ایران یک موضوع حل شده است. ما اعلام هم کرده ایم که در مورد حقوق مسلم خودمان با کسی گفتگو نمی کنیم. مثل استقلال. کسی در مورد استقلال خودش با کسی گفتگو نمی کند. فکر می کنم که به اندازه کافی، هم در دنیا این موضوع روشن شده است که آنها از مواضع دوگانه و چندگانه می خواهند برخوردار کنند. این هم دیگر برای ما هیچ ارزشی ندارد. کسانیکه انبارهایشان پر از بمب اتم است، دوستانشان را با بمب اتم مسلح می کنند و تمام جنایات دوستان خودشان را توجیه می کنند، بعد می آیند راجع به ایران که می رسد یک سری اخبار دروغ مطرح می کنند.

من مطلبی را که حالا به ذهن آمد بگویم. جالب است. حدیث ما با اینها مثل این است که به یک نفر می گویند که اثبات کن که سالم هستی. خوب من چطور سلامت خودم را اثبات کنم؟ اگر کسی مریض باشد، خوب به او می گویند اثبات کن که مریضی. می گوید که مثلا سینه ام درد می کند، صرفه می کنم، تب دارم، ناراحتم. اما چطور اثبات کنیم که سالمیم؟ اثبات کنیم که مریض نیستیم؟! کسالتی نداریم! این ظاهرش حرف ساده ای است. اما، عمق آن، حرف خیلی جاهلانه ای است. حرف خیلی بی ربطی است. چیزی که وجود ندارد، می گویند آن را اثبات کن. عدم این را که نمی شود اثبات کرد. ما به آنها می گوئیم که ما براساس قانون کار می کنیم. انحرافی وجود ندارد. می گویند نه، وجود دارد. می گوئیم که خوب سندتان چیست؟ می گویند خودتان به ما سند بدهید. این استدلال کسانی است که مدعی منطق و کار درست و قانون هستند. متهم می کنند، می گوئیم که خوب سندتان چیست؟ می گویند سند را خود شما به ما بدهید! می گوئیم ما سندی نداریم. می گویند خوب، پس ایران پنهان کاری می کند.

این، یک منطق خیلی رنگ باخته بی ارزش است که برای ما بطور مطلق هیچ ارزشی ندارد. ما از این عبور کرده ایم. ایران عبور کرده است. ملت ها همه عبور کرده اند. اصلا موضوع هسته ای ایران الان مطرح نیست. موضوع تقابل دو اندیشه است. آنها خیال می کنند با بهانه هسته ای و به ظاهر ترساندن دیگران می توانند به ما فشار بیاورند. اینها متوجه نمی شوند که این موضوع ها اصلا تمام شده است. چه کسی از ایران می ترسد؟ هیچ کس. جز دزدها و غارتگرهای بین المللی، هیچ کس از ایران نمی ترسد. همه ملتها دوست ایرانند. امیدواریم آنها هم بالاخره از روش های کهنه استعماری دست بردارند و یک مقدار مزه انسانی را بچشند. بیایند مثل دیگران انسانی زندگی کنند تا شاید آنها هم فرصتی پیدا کنند.

جناب رییس جمهور، آمریکا و اتحادیه اروپا با میزبانی ترکیه برای گفتگوهای ایران با گروه 5+1 مخالفت کرده اند. به نظر شما علل این مخالفت چیست؟

حالا باید بررسی کنیم. صحبت کنیم. بالاخره ببینید. این یک اخلاق استکباری است. چیزی در دستشان نیست. حالا می خواهند بگویند ما هم تعیین می کنیم. چه چیزی را تعیین می کنید؟ تعیین کنید. هزار تا تعیین کنید. برای ما ارزشی ندارد. ما بیشتر به محتوای مذاکرات اهمیت می دهیم و اینکه مذاکرات به نفع ملتها و به نفع جهان باشد و آنها را متقاعد کند که به عدالت و قانون پایبند

باشند. البته، ما خیلی علاقمندیم که در ترکیه و یا در کشور دیگری باشد. بزودی به جایی خواهیم رسید که آنها از این حداقل زورگویی هم پشیمان شوند.

آقای رئیس جمهور، با تحرکاتی که جمهوری اسلامی ایران داشته و دیدارهایی که جنابعالی بویژه در مجمع عمومی سازمان ملل داشتید، جریان سلطه از گسترش نفوذ ایران ابراز نگرانی کرده است. به نظر شما علت پیروزی های سیاسی پی در پی ایران، برغم تلاش جریان مخالف ایران چیست؟ در مجمع عمومی سازمان ملل جنابعالی در مورد ماجرای 11 سپتامبر پیشنهاد تشکیل کمیته حقیقت یاب را مطرح فرموده اید. به نظر شما این کمیته تا چه حد عملی خواهد شد؟

ببینید ما در این زمینه اصرار داریم. البته اگر نپذیرند معنای خودش را خواهد داشت. بالاخره به بهانه 11 سپتامبر آمده اند منطقه ما را اشغال کرده اند. بیش از یک میلیون انسان کشته شده است. هر روز دارند کشته می شوند. همه معادلات منطقه به هم خورده است. چندصد هزار نیروی نظامی وارد منطقه ما شده است. حیثیت ملتها و حقوق ملتها مخدوش شده است. مردم را در خیابانها می کشند. خانه ها را بر سر مردم خراب می کنند. روستاها را بمباران می کنند. زن، بچه، مراسم عروسی را بمباران می کنند. چرا؟ دخالت می کنند در امور عراق، در امور افغانستان. به چه دلیل؟ رییس جمهوری افغانستان می گوید آقا شما چرا عملیات نظامی می کنید در خاک ما؟ رییس جمهوری قانونی است. آنها می گویند ما دلمان می خواهد. بهانه همه اینها 11 سپتامبر است. اینها در 11 سپتامبر منطقه ما را متهم کردند. خودشان یک طرفه. مگر می شود خودشان هم شاکی باشند، هم دادستان و هم قاضی باشند؟

بعدش هم خودشان حکم صادر کنند و آن حکم را علیه ملتها اجرا کنند؟ این ماجرا باید روشن بشود. ما فکر می کنیم این کمیته حقیقت یاب اگر روشن کند که علت چه بوده است و چه کسانی بوده اند و با اسم مشخص شود، خوب در آن صورت برویم سراغ آنها. در یک دادگاه صالح باید اثبات شود. نه اینکه دولت آمریکا بیاید یک ادعایی بکند و به همه بگویند که باید بپذیرید. خوب اگر اینطوری است، پس چرا ادعای دولتهای دیگر را نپذیریم؟ خوب، همه دولتها ادعا می کنند. آنها را هم بپذیریم! شما چه کسی هستید که می گویند ما هراذعایی که می کنید ما باید بپذیریم؟ البته ما ناراحتیم از آن حادثه. عده ای کشته شدند. مظلوم و بی جهت. بخاطر مطامع استعماری و استکباری و خودخواهی بعضی ها. ما مصر هستیم. البته، این برای دولت آمریکا و ناتو هم چیز خوبی است. اگر معلوم شد که این ادعای اولیه غلط بوده، یک راهی پیدا می شود که اینها هم نیروهایشان را بردارند و آبرومندانه برون برون. بگویند که اشتباه شده است. اما اگر نپذیرند، معنایش این است که این یک پروژه سیاسی است. اگر ریگی در کفششان نیست و اگر به اسنادی که در اختیار دارند، مطمئن هستند، نباید عصبانی شوند. باید اجازه بدهند که یک کمیته بین المللی بیطرف تحقیق کند که همه ملتها قبولشان داشته باشد. این اسناد را ببیند و سوال و جواب بکند. بعد بیاید به ملتها بگوید که بله ملت افغانستان مقصر است! ملت عراق مقصر است! خوب اگر اینها راست می گویند اسنادشان کامل است، خوب اجازه بدهند که بررسی شود. وقتی اجازه نمی دهند یا اگر اجازه ندهند، خوب آن وقت برداشت دیگری می شود. معنایش این است که یک طراحی است برای هجوم به منطقه. یک بهانه است و این بهانه را هم به هر ترتیب می شود ایجاد کرد.

ایران به دنبال نفوذ در هیچ جای دنیا نیست. این را من به صراحت بگویم. اینها هم اشتباه می کنند. آن چیزی که دارد اتفاق می افتد بیداری است، عدالت خواهی است که دارد گسترش پیدا می کند. پاکی است. خداخواهی است. اینها از این می ترسند و اسمش را می گذارند نفوذ ایران. نفوذ ایران نیست. نفوذ و گسترش اندیشه انسانی است. این متعلق به همه انسانهاست. چرا حرف ایران اثر می گذارد و آنها اسمش را می گذارند نفوذ؟ این که نفوذ نیست. نفوذ یعنی اینکه ما سازماندهی کنیم و برویم داخل یک کشور. چنین چیزی وجود ندارد. همه ملتها محترمند و مستقلند و خودشان تصمیم می گیرند. ما فقط گفتگو می کنیم. با همه گفتگو می کنیم و این هم دوطرفه است. هم آنها به ما یاد می دهند و هم ما به آنها یاد می دهیم. آن چیزی که دارد در دلها و اندیشه ها نفوذ می کند، ارزشهای الهی است، ارزشهای انسانی است.

آنها از این وحشت دارند. اسمش را هم می گذارند نفوذ ایران. این را هم اشتباه می کنند. ایران به دنبال نفوذ در هیچ جای دنیا نیست. ما بر عدالت و انسانیت پافشاری می کنیم. این حرف همه انسانهاست. آنها می گویند چرا دنیا از حرفهای ایران استقبال می کند؟ خوب روشن است. این حرف، حرف همه ملتهاست. خیلی ها این حرفها را می زنند. ما هم این حرفها را مطرح می کنیم. هفت میلیارد جمعیت جهان همه دنبال عدالتند. همه دنبال دوستی اند. همه دنبال احترامند. همه دنبال رفاهند. همه استقبال می کنند. چرا نباید استقبال کنند؟ این معنایش نفوذ نیست. گسترش یک اندیشه و یک باور است. آنها هرچقدر این حرفها را بزنند، کار را تشدید می کنند. نفوذ این اندیشه را در دنیا بیشتر می کنند. بیداری را بیشتر می کنند. ما نگران نیستیم.

پایان پیام.